

An Analysis of "Tasrif of Meaning" in the Holy Qur'an Case study: Tasrif of Words

**Mojtaba Ansari Moghadam¹ Ahmad Zare Zardini²
Ali Mohammad Mirjalili³**

Received: 11/02/2022

Accepted: 29/11/2023



Abstract

The Holy Qur'an has expressed its meaning in various ways and has used different methods and tactics in providing the meaning, one of its methods to provide meaning is Tasrif. Tasrif is the expression of a meaning with different methods and styles. The Holy Qur'an guides a person in one meaning through various expressions. Identifying the types of these expressions has a great impact on the better and clearer Understanding of the Holy Qur'an. The attitude towards the study of the meaning in the Holy Qur'an and the examination of its various objective layers is one of the important topics in Qur'an studies. The present research examines the meaning in the Holy Qur'an via a descriptive-analytical method, tasrif method, and based on words. The findings of the current research suggest three types of tasrif of words: the first type, tasrif of meaning based on the synonyms of a word; The second type, tasrif of a meaning based on the morphological derivation of words; The third type is tasrif of words based

1. PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Meibod University, Meibod, Iran. Mojtabaansari6767@gmail.com.
2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Meibod University, Meibod, Iran (corresponding author). zarezardini@meybod.ac.ir.
3. Full Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Meibod University, Meibod, Iran. almirjalili@meybod.ac.ir.

* Ansari Moghaddam, M., & Zare Zardini, A., & Mirjalili A. M. (1402 AP). An Analysis of "Tasrif of meaning" in the Holy Quran: Case study: Tasrif of words. *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 5(15), pp. 11-39. DOI: 10.22081/jqss.2023.63321.1172

on weights and meaning-making styles (case study: Asma al-Husna), for which seven models have been selected. 1. Elative + agent noun. 2. Khair + plural subject noun (masculine plural). 3. Ahsan + subject noun. 4. Min + Af'al al-Tafazol + Min Allah + triple infinitive. 5. Na'am + infinitive 6. Khair 7. Af'al al-Tafzil. The result is that the Holy Qur'an has dealt with meanings in various patterns based on words through the method of tasrif that this type of dealing with meanings has a significant effect on the audience's better and clearer understanding of the Holy Qur'an, and with precision in every verbal and linguistic level, surely a truth of divine truths is better understood.

Keywords

Dealing with meanings, the Holy Qur'an, Tasrif of words, synonyms, morphological derivation, Asma al-Husna.

تحليل حول "تصريف المعنى" من خلال تصريف الكلمات في القرآن الكريم (دراسة الحالة)

مجتبی أنصاری مقدم^١ أحمد زارع الزردینی^٢ علي محمد میرجلیلی^٣

تاریخ الإستلام: ٢٠٢٢ / ٠٢ / ١١ تاریخ القبول: ٢٠٢٣ / ١١ / ٢٩

الملخص

ويعبر القرآن الكريم عن معانيه بطرق مختلفة أي أنه يستخدم أساليب ومناهج مختلفة في تقديم المعنى؛ وإحدى هذه الطرق هي استخدام تصريف الكلمات. والتصريف هو التعبير عن المعنى بطرق وأساليب مختلفة. فالقرآن الكريم يرشد الإنسان إلى معنى واحد بأساليب مختلفة. ومعرفة أنواع هذه الأساليب لها الأثر الكبير في فهم القرآن الكريم بشكل أفضل وأوضح. وتعتبر دراسة المعنى في القرآن الكريم ودراسة مستوياته الموضوعية المختلفة من المواضيع المهمة في الدراسات القرآنية. لقد تم تقديم البحث الحالي بالمنهج الوصفي التحليلي حول تفسير المعنى في القرآن الكريم بأسلوب التصريف، مع التركيز على تصريف الكلمات. تتضمن نتائج البحث الحالي ثلاثة أنواع من تصريف الكلمات: النوع الأول، تصريف المعنى بناءً على مرادفات الكلمة؛ النوع الثاني، تصريف المعنى على أساس الاشتقاق الصرفي للألفاظ؛ أما النوع الثالث فهو تصريف المعنى على أساس الأوزان وأساليب بناء المعنى (دراسة حالة: أسماء الحسني)، وقد تم اختيار سبعة نماذج لها؛ ١- أسلوب أفعل التفضيل مع اسم الفاعل؛ ٢- أسلوب "خير + اسم الفاعل الجمع (الجمع المذكور

١. طالب دكتوراه، قسم علوم القرآن والحديث، جامعة ميبد، ميبد، إيران. Mojtabaansari6767@gmail.com

٢. أستاذ مشارك، قسم علوم القرآن والحديث، جامعة ميبد، ميبد، إيران (الكاتب المسؤول).

zareardini@meybod.ac.ir

٣. أستاذ، قسم علوم القرآن والحديث، جامعة ميبد، ميبد، إيران. almirjalili@meybod.ac.ir

* أنصاري مقدم، مجتبی؛ زارع الزردینی، أحمد ومیرجلیلی، علي محمد. (٢٠٢٣م). تحليل حول "تصريف المعنى" من خلال تصريف الكلمات في القرآن الكريم (دراسة الحالة). الفصلية العلمية الترويحية لدراسات علوم القرآن، ١١(٥)، صص ٣٩-١١. DOI: 10.22081/jqss.2023.63321.1172

السالم) ٣- أسلوب "أحسن + اسم الفاعل؛ ٤- أسلوب "من + أفعل التفضيل + من الله + المصدر الثلاثي المجرد؛ ٥- أسلوب "نعم + المصدر؛ ٦- أسلوب الخير وحدة؛ ٧- أسلوب "أفعل التفضيل وحدة. ونتيجة هذه الدراسة هي أن بناء المعنى في القرآن الكريم بأسلوب التصريف تم بأنماط مختلفة مع التركيز على الكلمات. وهذا النوع من بناء المعنى له تأثير كبير على فهم الجمهور للقرآن الكريم بشكل أفضل وأوضح وأوضح وبالتأكيد مع الدقة في كل مستوى من مستويات البيان واللغة سيتم فهم حقيقة من الحقائق الإلهية بطريقة أفضل.

المفردات المفتاحية

بناء المعنى، القرآن الكريم، تصريف الكلمات، المرادفات، الاشتقاق الصرفي، أسماء الحسنى.

تحلیل «تصریف معنا» در قرآن کریم؛ مطالعه موردی: تصریف کلمات

مجتبی انصاری مقدم^۱ احمد زارع زردینی^۲ علی محمد میرجلیلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸



چکیده

قرآن کریم با روش‌های گوناگونی به بیان معنا پرداخته است و از اسلوب و تاکتیک‌های گوناگونی در ارائه معنا استفاده کرده که یکی از اسلوب‌هایش برای ارائه معنا، تصریف است. تصریف، عبارت از بیان یک معنا با روش‌های مختلف و اسلوب‌های گوناگون است. قرآن کریم با بیان‌های گوناگون، آدمی را به یک معنا راهنمایی می‌کند. شناخت انواع این بیان‌ها در فهم بهتر و روشن‌تر قرآن کریم تأثیر فراوانی دارد. نگرش ناظر به مطالعه معنا در قرآن کریم و بررسی لایه‌های گوناگون عینی آن از موضوعات دارای اهمیت در قرآن‌شناسی است. پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی معناپردازی در قرآن کریم با اسلوب تصریف و با محوریت کلمات می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاضر شامل سه نوع تصریف کلمات می‌شود: نوع اول، تصریف معنا بر پایه مترادفات یک واژه؛ نوع دوم، تصریف یک معنا بر پایه اشتقاق صرفی واژه‌ها؛ نوع سوم، تصریف کلمات بر پایه اوزان و اسلوب‌های معنا ساز (مطالعه موردی: اسماء الحسنی) که هفت الگو برای آن انتخاب شده است؛ ۱. افعال تفضیل + اسم فاعل؛ ۲. خیر + اسم فاعل جمع (جمع مذکر سالم)؛ ۳. احسن + اسم فاعل؛ ۴. من + افعال التفضل + من الله + مصدر

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران. Mojtabaansari6767@gmail.com
۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول). zarezdardini@meybod.ac.ir
۳. استاد تمام، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران. almirjalili@meybod.ac.ir

* انصاری مقدم، مجتبی؛ زارع زردینی، احمد و میرجلیلی، علی محمد. (۱۴۰۲). تحلیل «تصریف معنا» در قرآن کریم؛ مطالعه موردی: تصریف کلمات. فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۵)، صص ۱۱-۳۹.

DOI: 10.22081/jqss.2023.63321.1172

ثلاثی؛ ۵. نعم + مصدر؛ ۶. خیر به تنهایی؛ ۷. افعال التفضیل به تنهایی. نتیجه آنکه قرآن کریم با اسلوب تصریف به الگوهای گوناگون بر پایه کلمات معناپردازی کرده است که این نوع معناپردازی در فهم بهتر، روشن تر و آشکارتر مخاطبان قرآن کریم تأثیر شایان و به سزایی دارد که با دقت در هر مرتبه بیانی و زبانی، به طور یقین حقیقتی از حقایق الهی بهتر فهمیده می شود.

کلیدواژه‌ها

معناپردازی، قرآن کریم، تصریف کلمات، مترادفات، اشتقاق صرفی، اسماء الحسنی.

مقدمه و بیان مسئله

یکی از پیش‌زمینه‌ها و مقدمات فهم قرآن کریم توجه به زبان قرآن کریم است. زبان متن نیز حاصل کاربرد فنون و روش‌های معناورزی در یک متن است. به عبارت دیگر، متکلم معنایی را در نظر می‌گیرد و آن را در یک فرایند مخاطبه به عرصه بیان می‌آورد و این مرتبه مخاطب در یک فرایند فهمی آن معنا را دریافت می‌کند... بدین‌رو از مباحث مهم حوزه مطالعات قرآنی، معناپردازی قرآن کریم و دستیابی به یک چارچوب مطالعات معنایی برای تبیین ساختار معنایی قرآن است. یکی از این روش‌های معناپردازی در قرآن کریم که خود قرآن نیز به‌صورت صریح بیان داشته، سبک بیان تصریفی است، که سبکی ویژه در القای معنا به‌شمار می‌رود. قرآن کریم در سطوح گوناگون شامل واژه‌ها، عبارات و متون از این سبک استفاده کرده است. کاربرد این صنعت در بیان معارف متعالی قرآن کریم سبب پیدایش انواع گوناگونی از روابط بینامتنی نیز در آیات قرآن کریم می‌شود. به عبارت دیگر، وجود این سبک بیانی در قرآن کریم سبب شده است تا انواع مختلف ارجاعات درون‌متنی در سوره‌های قرآن و روابط بینامتنی در میان سوره‌های قرآن شکل گیرد. همین امر، زمینه‌های شکل‌گیری روشی در فهم و تفسیر قرآن کریم که به تفسیر قرآن به قرآن شناخته می‌شود منجر می‌شود. پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی این اسلوب در سطح کلمات می‌پردازد. اهمیت این مبحث از آن جهت است که از مباحث مهم در خوانش متن قرآن به‌شمار می‌رود و به فهم بهتر، روشن‌تر و آشکارتر گفتمان قرآن کریم کمک شایانی می‌کند.

۱. پیشینه

موضوع تصریف پیشینه‌ای تاریخی دارد و خود علمی از علوم قرآن به‌شمار می‌رود. اگر به پیشینه این موضوع رجوع شود، به چند دسته از آثار برخورد می‌کنیم:

الف) آثار ابتدایی اندیشمندان اسلامی که به‌صورت کلی آیات مشابه را مد نظر داشتند:

- آثاری که به منظور گردآوری این آیات یعنی آیات مشابه نوشته شده‌اند که

- می‌توان به این آثار در حوزه قرائات قرآن و یا حفظ قرآن و امثال آنها اشاره کرد، مثل: کتاب مشتهبات القرآن، نوشته علی بن حمزه کسایی.
- آثاری که به تفسیر و توجیه آیات مشابه پرداخته‌اند، مثل: کتاب البرهان فی توجیه متشابه القرآن، نوشته محمود کرمانی.
 - آثار علوم قرآنی مثل نوع حقیقت و مجاز در کتاب الاتقان فی علوم القرآن نوشته سیوطی.
 - کتاب‌ها و مقالات در حوزه علوم بلاغی و زیبایی‌شناسی قرآن مانند «زیبایی‌شناسی آیات مشابه در قرآن کریم» (نجفی ایوکی و زرکار، ۱۳۹۸)؛ نویسندگان به علل تفاوت کلامی آیات از جمله: تنوع بخشی در سخن، تنوع در گفتار، اهمیت بخشی به موضوع و اثرگذاری آن بر مخاطب پرداخته که با پژوهش حاضر متفاوت است.
- ب) تحقیقاتی که محور اصلی آنها تصریف بوده است:
- تحلیل دلالات فی القرآن الکریم بأسلوب التصریف مع التركيز علی تصریف العبارة (زارع زردینی و انصاری مقدم، ۱۴۴۲ق) که در این مقاله فقط به بررسی جملات خبری انشائی پرداخته شده است.
 - معناشناسی تصریف آیات و رابطه آن با تکرار در قرآن با محوریت آیه ۸۹ اسراء و آیه ۱۱۳ طه (محمودی صاحبی و مجدقیهی، ۱۳۹۷) که در این مقاله به تحلیل تفسیری آیه ۸۹ اسراء و آیه ۱۱۳ طه پرداخته شده و ارتباط آن با موضوع تکرار در قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.
 - حکمت تفاوت تعبیر در آیات مشابه قرآن کریم (اهوارکی، ۱۳۸۹)؛ در این مقاله به آیات مشابه در قرآن پرداخته شده که مضمون آنها یکی است، ولی برخی کلمات آنها تفاوت دارد؛ تفاوت‌هایی که نویسنده شناسایی کرده، شامل: تذکیر و تأنیث، ضمیر و اسم ظاهر، ذکر ال و عدم آن، تغییر و تبدیل کلمات، و حروف، حذف و اضافه، تقدیم و تأخیر، مفرد و جمع، معرفه و نکره، قطع و وصل، اختلاف در فعل، اختلاف در حرف، اختلاف در فواصل، اختلاف در واژه و اختلاف در ختم آیات است.

- تصریف المعانی فی القرآن الکریم (عبدالعزیز بن صالح العمار، ۱۴۳۳ق)؛ در این مقاله به مباحثی از جمله: تعریف تصریف، حکمت‌های تصریف معنا، پرداخته شده است؛ از این رو مباحث مقدماتی بحث تصریف را شامل می‌شود.
 - برخی به تصریف موضوعات در سوره‌های قرآن پرداختند (رجب، ۱۳۸۱)، یعنی همان التفات و یا تغییرات موضوعات در سوره‌ها که با اهداف و چارچوب جستار حاضر متفاوت است.
 - معنای عبارت «تصریف الرِّیاح» در قرآن (رحمان ستایش، قاسم‌زاده خشک‌رودی، ۱۳۹۷)؛ نویسندگان در این مقاله به تصریف آیات در جهان هستی اشاره دارند که مقاله حاضر به تصریف در قرآن می‌پردازد.
 - برخی نیز به صورت اجمالی در حد تعریف تصریف و ذکر چند مورد از آن پرداخته‌اند (زارع زردینی و همکاران، ۱۳۹۸، صص ۹-۱۱؛ اخلاصی، ۱۳۹۷، صص ۷۱-۹۳).
- نویسندگان پژوهش حاضر که مقاله «بررسی تطبیقی آیات «تصریف» در قرآن کریم در تفسیر المیزان و مجمع البیان» را هم نگاشته‌اند (زارع زردینی و انصاری مقدم، ۱۴۴۲ق) تنها به تعریف تصریف آیات از منظر دو مفسر بزرگ علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه و علامه طبرسی رحمته‌الله‌علیه پرداخته‌اند که می‌تواند در مقدمات نظری پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گیرد.
- ج) تحقیقاتی که محور اصلی آنها تصریف نبوده؛ اما به صورت مختصر یا با اصطلاح آیات مشابه به آن پرداخته‌اند:
- حکمت تفاوت اسلوب‌های بیانی در آیات مشابه، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن (فتاحی‌زاده و اهوراکی، ۱۳۹۱، صص ۴۱-۴۸)؛ این مقاله به سه عامل تفاوت اسلوب‌ها اشاره دارد: سیاق لفظی، سیاق معنایی و تفنن در کلام؛ درحالی‌که پژوهش حاضر به عملکرد مفسران در باره اسلوب تصریف و مصادیق این اسلوب در قرآن کریم می‌پردازد.
 - علوم مقدماتی برای کشف حکمت تفاوت آیات مشابه، مطالعات قرآن و حدیث (فتاحی‌زاده و اهوراکی، ۱۳۸۹)؛ به تصریح نویسندگان آنچه در مقاله مورد نظر است

یافتن حکمت تفاوت تعابیر در آیات مشابه می‌باشد؛ درحالی که مقاله حاضر در پی تحلیل عملکرد مفسران در باره اسلوب تصریف و ذکر مصادیق آن در قرآن کریم است.

- پژوهشی در علم آیات مشابه (هوراکی، ۱۳۸۹)؛ نویسنده در این مقاله به معرفی علم آیات مشابه نوع اختلاف (تذکیر و تأنیث، تقدیم و تاخیر، حذف و اضافه، مفرد و جمع) پرداخته که اهداف، یافته‌ها و نتایج با پژوهش حاضر متفاوت است.
- تفاوت تعبیر در آیات مشابه قرآن بر پایه تخطی از اصول همکاری گرایس (حبیب‌اللهی و دیگران، ۱۳۹۵)؛ مقاله نامبرده با کمک علم کاربردشناسی به تفاوت تعبیر آیات مشابه می‌پردازد که در پژوهش حاضر متفاوت است.

- تشخیص هوشمند آیات مشابه معنایی در قرآن کریم (طحانیان و دیگران، ۱۳۹۹)؛ این پژوهش به روش تشخیص آیات مشابه لفظی و معنایی در قرآن پرداخته است.
- بررسی عملکرد مترجمان قرآن کریم در برگردان تفاوت‌های موجود در آیات مشابه لفظی؛ مطالعه موردی: ترجمه‌های حدادعادل، رضایی، طاهری، فولادوند، کاویانپور، گرمارودی و مکارم شیرازی (شاهرودی و دیگران، ۱۴۰۰)؛ پژوهش اخیر به تفاوت‌های ترجمه‌های آیات مشابه لفظی می‌پردازد که با مقاله حاضر متفاوت است.

- نقش بافت درون‌زبانی در توجیه آیات مشابه (ستوده‌نیا و حبیب‌اللهی، ۱۳۹۳)؛ این مقاله به کمک مؤلفه‌های بافت درون‌زبانی، یعنی ارجاعات و از پیش‌انگاری به بررسی چند نمونه از آیات مشابه لفظی پرداخته است.

علاوه بر این موارد، گاه به این آیات از جنبه حفظ قرآن نگاه شده و کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره شیوه حفظ آیات مشابه نوشته شده است؛ بنابراین تحقیقات یادشده پژوهش‌هایی هستند که در مورد اسلوب تصریف انجام شده‌اند، درحالی که پژوهش حاضر این مسئله را از نگاهی دیگر بررسی کرده است. پژوهش حاضر برای مرتبه نخست با استخراج الگوهای گوناگون قرآن کریم بر پایه کلمات به گفتگو تصریف معنا به محوریت کلمات می‌پردازد که تاکنون چنین پژوهشی انجام نگرفته است.

۲. مفهوم‌شناسی سبک بیان تصریفی

در ادامه مفهوم تصریف از جهت لغت، اصطلاح و کاربرد قرآنی تحلیل و بررسی می‌شود.

۱-۲. تعریف لغوی و اصطلاحی تصریف

«تصریف» از ماده «صرف» در لغت به معنای برگرداندن است، خواه برگرداندن مطلق باشد یا برگرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر، یا تبدیل کردنش به غیر از خودش (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۲؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۲۳). این تعریف لغوی با پژوهش حاضر در سازگار است.

برخی در تعریف اصطلاح تصریف گفته‌اند: تصریف، آن است که مثال‌ها را به انواع مختلف بیان کنند تا مردم درباره آن‌ها بیندیشند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۸). برخی دیگر گفته‌اند: تصریف، بیانات مختلفی است که قرآن از یک واقعیت دارد، مثلاً مسئله وعید و مجازات مجرمان را، گاهی در لباس بیان سرگذشت امت‌های پیشین و گاهی به صورت خطاب به حاضران و گاهی در شکل ترسیم حال آن‌ها در صحنه قیامت و گاه به لباس‌های دیگر بیان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۱۱). در یک تعریف جامع و پذیرفتنی می‌توان تصریف را این‌گونه تعریف کرد: تصریف به معنای برگرداندن و دوباره آوردن و با بیان‌های مختلف و اسلوب‌های گوناگون ایراد کردن است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۸). تعریف اخیر تعریفی مناسب و جامع از تصریف است. بدین‌رو در پژوهش حاضر به انواع گفتمان‌سازی یا معناپردازی با بیان‌های گوناگون ایراد کردن بر پایه کلمات پرداخته خواهد شد.

۲-۲. مفهوم و کاربرد قرآنی تصریف

قرآن کریم در ده آیه و هفت سوره گوناگون به صورت صریح و مستقیم به تصریفی بیان قرآن کریم به‌عنوان یکی از مشخصه‌های بیانی و زبانی قرآن کریم اشاره کرده است: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكُرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا؛ وَحَقًّا مَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكُرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا؛ وَحَقًّا مَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكُرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا» (در باره توحید و نفی شریک خدا و معارف دیگر) بیانات گوناگونی آوردیم تا یاد

آرند و پند گیرند، اما جز نفرت و گریز در آنها نمی‌افزاید» (اسراء، ۴۱). خداوند متعال در این آیه به تصریف آیات اشاره کرده است که با بررسی سیاق می‌توان فهمید هم همان معنای لغوی و اصطلاحی را می‌دهد. نیز می‌فرماید: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا؛ و حَقًّا که ما در این قرآن برای مردم از هر مثالی مکرر و گوناگون بیان کردیم، اما بیشتر مردم جز انکار و کفران نخواستند» (اسراء، ۸۹). در این آیه نیز خداوند سبحان به اسلوب بیانی تصریف اشاره می‌کند و می‌فرماید: در این قرآن از هر گونه مثالی گوناگون آوردیم (نیز، ر.ک: کهف، ۵۴؛ طه، ۱۱۳؛ احقاف، ۲۷؛ فرقان، ۵۰؛ انعام، ۴۶، ۶۵ و ۱۰۵؛ اعراف، ۵۸)؛ بنابراین خدای متعال در قرآن کریم به صراحت به اسلوب تصریف اشاره کرده است و معنایی که از این ده آیه از تعریف تصریف برداشت می‌شود مطابق با همان تعریف اصطلاحی است (نک: طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۵، ص ۸۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، صص ۱۴۴ و ۲۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۲، ص ۴۷۰).

۳. تصریف معنا با واژگان

در ادامه به تصریف کلمات در سه بخش مجزا می‌پردازیم:

۳-۱. تصریف معنا بر پایه مترادفات یک واژه

نوع اول، تصریف کلمات که به بیان آن خواهیم پرداخت، تصریف بر پایه مترادفات کلمه است؛ این نوع تصریف به کلماتی می‌پردازد که در جاهای گوناگون بنابر مقتضای خود از یک کلمه مترادف به جای کلمه مشهور استفاده گردد. در ادامه به نمونه‌های این تصریف در قرآن کریم خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱. تصریف معنای شهادت

یکی از آموزه‌های مهم قرآن، مفهوم زنده‌بودن شهدا است، که خدای متعال در دو آیه از قرآن کریم آن را تصریف کرده است. آیه اول: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ؛ و هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته

شدند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند» (آل عمران، ۱۶۹)؛ آیه دوم: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحياءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ؛ و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید، بلکه زنده‌اند، ولی شما در نمی‌یابید» (بقره، ۱۵۴). این دو آیه به مفهوم زنده‌بودن کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند اشاره دارد. در تحلیل علت تفاوت این دو آیه می‌توان به تغییر مخاطب در دو آیه پرداخت؛ در آیه نخست، روی سخن متوجه حضرت پیامبر ﷺ است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۷۰)؛ از این رو از لفظ احترامی «لَا تَحْسَبَنَّ» به معنای مپندار، استفاده شده است. اما در ابتدای آیه دوم از لفظ «لَا تَقُولُوا» استفاده شده است. خدای متعال در خطاب عموم از ریشه «قل» به معنای «بگو» استفاده کرده است و در خطاب به پیامبرش نهایت احترام را در لفظ «تحسبن» به معنای پنداشتن داشته است.

۳-۱-۲. تصریف معنای نام خداوند

قرآن کریم در موارد متعدد با سبک‌های گوناگون به معنای نام «خداوند» پرداخته است. خدای متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست» (هود، ۱۲۳)؛ این آیه اشاره دارد به اینکه خداوند به اعمال ظاهری و غیرظاهری بندگان آگاه است. در سیاق آیه متوجه می‌شویم که روی سخن متوجه حضرت رسول ﷺ است. البته نه از باب اینکه آن حضرت از این مسئله آگاه نیست، بلکه از حیث یادآوری سایر بندگان به تصریف این مفهوم پرداخته شده است. از طرفی هم لفظ «ربک» در آیه متوجه شخص است نه جمع. در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره، ۷۴) همان مفهوم پیشین در آیه اخیر تصریف گشته است، اما از سیاق آیه مشخص می‌شود روی سخن در این آیه متوجه بنی‌اسرائیل است؛ و تهدیدی سربسته برای آنان و تمام کسانی است که شیوه آنان را ادامه می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۰۶). پس مفهوم آگاهی خداوند به یک شکل، اما با دو مخاطب تصریف شد که این سبک ویژه بیانی می‌تواند الگویی برای بیان افراد باشد.

۳-۱-۳. تصریف معنای کمک به دیگران

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ ثُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت آزدن باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ریا و خودنمایی به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز واپسین ایمان ندارد، که مثل او مثل سنگ سخت و صافی است که خاکی (اندک) بر آن نشسته، پس باران تند و درشتی به آن برسد و آن را سنگی صاف (و بدون خاک و گیاه) واگذارد (صدقه او نظیر آن خاک است. و ریاکاران) به چیزی از آنچه کسب کرده‌اند دست نمی‌یابند، و خداوند مردم کافر را هدایت نمی‌کند» (بقره، ۲۶۴). با توجه به صدر آیه، روی سخن به مومنان است که می‌فرماید: «کمک به دیگران هرگز نباید با منت و آزاری همراه باشد». در این آیه برای معنای کمک به دیگران از کلمه صدقات استفاده شده، یعنی معنای کمک با ریشه صدق تصریف گشته است؛ درحالی که در آیه دیگری می‌خوانیم: «قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يَخْلُقُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ؛ بگو: همانا پروردگار من برای هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را (طبق صلاح عام و نظام اتم) فراخ می‌سازد و تنگ می‌کند، و آنچه از اشیاء (در راه خدا) انفاق کنید عوضش را می‌دهد و او بهترین روزی‌دهندگان است» (سبأ، ۳۹). در این آیه می‌فرماید: انفاق مایه فزونی است نه کمبود. در اینجا برای کمک به دیگران از کلمه انفاق استفاده شده است که اگر به دیگران کمکی شود، سبب افزایش دارایی می‌شود. ابتدای آیه خطاب و روی سخن را متوجه پیامبر ﷺ کرده است. مفهوم انفاق یک مفهوم عمومی در قرآن به‌شمار می‌رود؛ از این رو بیشترین آیاتی که به موضوع کمک به دیگران می‌پردازند با ریشه انفاق تصریف می‌شوند. خداوند در خطاب به پیامبرش خواسته از ریشه اصلی این مفهوم در عربی استفاده کند.

۳-۱-۴. تصریف معنای ترس از گناه

یکی دیگر از نمونه‌های تصریف کلمات بر پایه مترادفات قرآن کریم، تصریف

معنای «ترس از گناه» در آیات متعدد است. در این مورد به چند آیه اشاره می‌شود: «وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَخَذُوا إِلَهِينَ إِلَّا نَمَّا هُوَ إِلَهُهُ وَاحِدٌ فَايَا فَا رَهْبُونَ؛ و خداوند گفت: دو خدای معبود نگیرید، (خدای آفرینش و خدای تدبیر) جز این نیست که او معبودی یگانه است، پس تنها از من بترسید» (نحل، ۵۱)؛ خدای متعال در این آیه آدمی را به یکتاپرستی دعوت می‌نماید و با کلمه «رهب» آدمی را از عاقبت عمل بت پرستی می‌هراساند. «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ احْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَي رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ و خدای را فرمان برید و پیامبر را فرمان برید و پروا داشته باشید. پس اگر روی برتایید بدانید که بر پیامبر ما رسانیدن روشن و آشکار پیام است و بس» (مانده، ۹۲)؛ در این آیه به فرمانبرداری از خدای متعال و رسول پاک و مطهرش اشاره کامل شده است و با کلمه «حذر» معنای «ترس از گناه» تصریف شده است؛ چراکه نافرمانی از خدا و رسول الله ﷺ گناه می‌باشد. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَ جَلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ مؤمنان تنها کسانی هستند که چون یاد خدا به میان آید دل‌هایشان می‌ترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان می‌افزاید، و همواره بر پروردگارشان توکل می‌کنند» (انفال، ۲)؛ خدای متعال در این آیه مومنان را کسانی می‌داند که همیشه از گناه کردن می‌ترسند و این ترس را با کلمه «وجل» تصریف کرده است. «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِن مَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِن مَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ گفتیم که همگی از آن (ملاً اعلی) فرود آید، پس اگر شما را از جانب من هدایتی (به وسیله پیامبران و کتاب‌های آسمانی) بیامد، کسانی که از رهنمایی من پیروی کنند نه آنها را ترسی باشد و نه اندوهی خواهند داشت» (بقره، ۳۸)؛ در این آیه هم مفهوم ترس از انجام گناه با کلمه «خوف» بیان و تصریف گشته است. بدین ترتیب خدای متعال در آیات گوناگون با تصریف کلمه از نوع مترادف به مفهوم ترس از انجام گناه پرداخته است، به‌عنوان نمونه با کلماتی چون «رهب، حذر، وجل، خوف و...» به این مفهوم مهم قرآنی اشاره مستقیم شده است. همچنین در موضوعات دیگر قرآن کریم چنین تصریفات به وفور دیده می‌شود؛ از

جمله؛ تصریف معنای ستیز با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که خدای متعال در آیات گوناگون با واژگانی چون «نزع» (حج، ۶۷)، «حاج» (بقره، ۱۳۹)، «جدل» (انفال، ۶) و ... تصریف گشته است. یا تصریف معنای راه هدایت که خدای سبحان در آیات گوناگون با واژگانی چون «صراط» (حمد، ۶-۷)، «طریق» (احقاف، ۳۰)، «سیبیل» (غافر، ۳۸)، «هدی» (حج، ۶۷) و ... تصریف کرده است؛ همچنین تصریف معنای سوگند دروغ نمونه دیگری از تصریف مترادفات قرآن کریم به شمار می‌رود که حق تعالی با واژگانی چون «حلف» (مجادله، ۱۸)، «قسم» (فاطر، ۴۲)، «یمین» (مائده، ۵۳) و ... به معناپردازی به سبک تصریف پرداخته است.

۳-۱-۵. تصریف معنای آفرینش انسان

نمونه دیگر، از تصریف کلمات بر پایه مترادفات، تصریف معنای آفرینش انسان است. خدای متعال در آیات گوناگون معنای آفرینش انسان را با کلمات مترادف تصریف کرده است، در عین حال معنای این آیات هم به صورت واحد در پی بیان همین معنا هستند؛ در این باره به چند آیه اشاره می‌کنیم: «وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ و اوست که شما را در زمین پدید کرد و [سرانجام] به سوی او برانگیخته و فراهم می‌شوید» (مؤمن، ۷۹)؛ خداوند در این آیه به یکی از مهمترین آیات پروردگار، یعنی خلقت انسان از این زمین خاکی پرداخته و مفهوم «آفرینش انسان» را با «ذرا» بیان کرده است. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ؛ و بی تردید ما (اولین فرد) انسان را از گلی خشکیده نپخته صداداری (مجسم به صورت انسان) برگرفته از لجنی بدبو آفریدیم» (حجر، ۲۶)؛ خدای متعال در اینجا معنای «آفرینش انسان» را با کلمه «خلق» تصریف کرده است. «قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مِمَّا تَشْكُرُونَ؛ بگو: اوست آنکه شما را پدید آورد و برای شما نیروی شنوایی و دیده‌ها و دل‌ها قرار داد اما شما کم سپاس می‌گزارید» (ملک، ۲۳)؛ در این آیه مفهوم «آفرینش انسان» با کلمه «أنشأ» تصریف شده است. بدین ترتیب، خدای متعال در آیات گوناگون قرآن کریم معنای «آفرینش انسان» را با کلماتی چون «ذرا، خلق و أنشأ» تصریف کرده است.

۳-۲. تصریف یک معنا بر پایه اشتقاق صرفی واژگان

نوع دوم، تصریف کلمات، تصریف بر پایه اشتقاق صرفی می‌باشد. مراد مشتقات صرفی یک کلمه است که معنای واحدی دارند. در ادامه به نمونه‌های گوناگون قرآن کریم اشاره می‌کنیم:

۳-۲-۱. تصریف معنای دانای پنهان بودن خداوند

نمونه اول، تصریف اشتقاق صرفی، معنای «دانای پنهان بودن خدای متعال» در قرآن کریم است؛ خدای متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ همانا خداوند داننده ناپیداهای آسمان‌ها و زمین است، و او به آنچه در سینه‌ها نهفته است داناست» (فاطر، ۳۸)؛ خداوند در این آیه خود را دانای پنهان و دانا و آگاه به آنچه در آسمان و زمین پنهان است معرفی می‌نماید و برای رساندن این معنا از کلمه «عالم غیب» استفاده کرده است. نیز در آیه‌ای دیگر این معنا را با کلمه‌ای دیگر تصریف می‌نماید: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا» (جن، ۲۶)؛ در آیه برای بیان معنای «دانای پنهان بودن پروردگار» از تصریف «عالم الغیب» استفاده شده که نوعی تصریف کلمه بر پایه اشتقاق صرفی می‌باشد. خدای متعال در آیه‌ای دیگر فرمود: «أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰ» (نجم، ۳۵)؛ در این جا برای بیان «دانای پنهان» از کلمات «علم الغیب» استفاده شده است که نوعی تصریف اشتقاقی به‌شمار می‌رود؛ همچنین در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ؛ گفت: ای آدم، آنان را از نام‌های اینها آگاه کن، و چون از نام‌های آنها آگاهشان کرد، گفت: آیا به شما نگفتم که من نهای آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید می‌دانم» (بقره، ۳۳)؛ در این آیه هم معنای «دانای پنهان» با «اعلم غیب» تصریف (اشتقاق صرفی) شده است. خداوند متعال در جایی دیگر می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (توبه، ۷۸)؛ خداوند در این آیه سمت و سوی بیان معنای «دانای پنهان» از تصریف اشتقاق صرفی «علام الغیوب» استفاده کرده است.

بدین ترتیب، خدای متعال در قرآن کریم برای فهم بهتر معنا از اسلوب تصریف اشتقاق صرفی کلمات استفاده کرده است. به عنوان نمونه معنای «دانای پنهان» را با کلماتی چون «عالم غیب، علم غیب، اعلم غیب، علام الغیوب و...» که ریشه همه به «علم» برمی گردد، تصریف کرده است.

۲-۲-۳. تصریف معنای پروردگار ارجمند

نمونه دیگر، تصریف اشتقاقی، تصریف معنای «ارجمندبودن پروردگار» است؛ خداوند می فرماید: «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (رحمن، ۷۸)؛ در این آیه در یک معنایی واحد از کلمه «اکرام» برای بیان معنای «ارجمندبودن پروردگار» استفاده شده است؛ همچنین خدای سبحان در آیه: «وَيُنَقِّي وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (رحمن، ۲۷)؛ همانند آیه نخست معنای «ارجمندبودن پروردگار» را با کلمه «اکرام» تصریف می کند. در آیه ای دیگر می خوانیم: «أَقْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» (علق، ۳)؛ خداوند سبحان در این آیه برای القای معنای «ارجمندبودن پروردگار» کلمه «اکرم» را به کار برده است. در جایی دیگر آمده: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» (انفطار، ۶)؛ در این آیه معرفی معنای «ارجمندبودن پروردگار» با کلمه «کریم» تصریف شده که از نوع تصریف اشتقاق صرفی کلمات به شمار می رود. بدین جهت، خدای متعال در آیات قرآن کریم برای بیان معنای «ارجمندبودن پروردگار» از تصریف اشتقاقی کلماتی چون «اکرام، اکرم، کریم و...» که ریشه همه به «کرم» برمی گردد، استفاده کرده است.

۳-۲-۳. تصریف معنای کوشش در راه پروردگار

نمونه بعدی، تصریف کلمات بر پایه اشتقاق صرفی، تصریف معنای «کوشش در راه پروردگار» است؛ در این معنا خدای متعال در آیه ای فرمود: «وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (عنکبوت، ۶)؛ با توجه با ظاهر آیه برداشت می گردد که جهاد تنها با زور شمشیر نیست، در واقع، هر گونه کوششی که برای رضای پروردگار باشد را جهاد نامند؛ همچنین از ظاهر کلام دریافت می شود که خدای متعال به جهاد

آدمیان نیاز ندارد، بلکه آدمیان برای پیشرفت مادی و معنوی به جهاد در راه خدا نیازمندند و خداوند بی‌نیاز از جهانیان است. خدای سبحان در این جا از کلمه «جاهد» برای بیان معنای «کوشش در راه پروردگار» استفاده کرده است. در آیه‌ای دیگر این کلمه قرآنی در اشتقاق صرفی به کلمه دیگری تصریف شده: «وَ لَتَبْلُوَنَكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَ تَبْلُوَا أُخْبَارَكُمْ» (محمد، ۳۱)؛ خداوند متعال در این آیه به راه شناخت مؤمن با کافر اشاره می‌کند و با صفت جهاد یا کوشش در راه خدا می‌توان مؤمنان را از منافقان متمایز کرد. در این جا معنای «کوشش در راه پروردگار» با کلمه «مجاهدین» تصریف شده است. بدین رو مشاهده شد که خدای تعالی در قرآن کریم معنای «کوشش در راه پروردگار» را با کلماتی چون «جاهد، مجاهدین و...» تصریف می‌نماید.

۳-۲-۴. تصریف معنای توانایی پروردگار

نمونه بعدی، تصریف کلمات بر پایه اشتقاق که به ذکر آن پرداخته می‌شود، معنای «توانایی پروردگار» است؛ خدای متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ لَمْ يَعْزِبْ عَنْهَا بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مَا يَشَاءُ وَ لَمْ يَكُن لَّهُ يَئُسٌ» (احقاف، ۳۳)؛ در این جا معنای «توانایی پروردگار» با کلمه «قادر» بیان شده است، ولی این مفهوم در آیه ۵۴ سوره فرقان: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رُبُّكَ قَدِيرًا» و اوست آنکه از آب (نطفه) بشری آفرید، پس او را دارای رابطه نسبی و سببی قرار داد (رابطه ذاتی هر انسانی با خویشان خود، و رابطه عرضی با خویشان همسرش)، و همواره پروردگار تو بر همه چیز تواناست» با کلمه «قدیر» تصریف شده است. خدای متعال در آیه‌ای دیگر فرمود: «فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ» (مرسلات، ۲۳)؛ در این جا هم معنای «توانایی پروردگار» با کلمه «قادران» تصریف شده است. حق تعالی در آیه‌ای فرمودند: «وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَخَتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَ كَانَ

اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرٌ؛ و برای آنها زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که از آسمان فرو فرستیم پس گیاهان زمین به وسیله آن (برویند و) به هم مخلوط گردند (و مناظر زیبایی پدید آید) سپس (در اندک مدتی) به حال خشکی بازگردند به طوری که بادها آنها را (به همه جا) بپراکنند. و خداوند همیشه بر همه چیز تواناست» (کهف، ۴۵)؛ در این آیه نیز معنای «توانایی پروردگار» با تصریف اشتقاقی کلمه «مقتدر» بیان شده است. بنابراین، حق تعالی در قرآن کریم معنای «توانایی پروردگار» را با کلماتی چون «قادر، قدیر، قادرون، مقتدر و...» تصریف می‌نماید.

۳-۳. تصریف یک معنا بر پایه اوزان و اسلوب‌های معناساز (مطالعه موردی: اسماء الحسنی)

مقصود از تصریف، یک معنا بر پایه اوزان معناساز آن است که گاه برخی اوزان صرفی می‌توانند یک معنا را انتقال دهند؛ برای نمونه برای بیان تفصیل به چندین اسلوب می‌توان آن معنا را انتقال داد. یکی از غرر آیات قرآنی در موضوع اسما الهی چنین است: «قُلْ اَدْعُوا اللَّهَ اَوْ اَدْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيًّا مَّا تَدْعُوْنَ فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى...» (اسراء، ۱۱۰). تعبیری که در این آیه به کار رفته، اسماء الحسنی است. یعنی هرگاه خواستید خداوند را بخوانید، او را به بهترین‌ها نام بخوانید. به عبارت دیگر همواره باید حسنی باشد. حسنی، صفت تفصیل است. مثلاً اگر می‌خواهید او را رازق بخوانید بهتر است بگویید «خیر الرازقین» خداوند متعال در قرآن کریم در تصریف این معنا «اسماء الحسنی» هفت اسلوب برای بیان آن انتخاب کرده است.

۳-۳-۱. الگوی اول تصریف معنای اسماء الحسنی: افعال تفصیل + اسم فاعل جمع

یکی از الگوهای تصریف، معنای اسماء الحسنی در قرآن کریم، تصریف این معنا با اسلوب افعال تفصیل + اسم فاعل است. در ادامه به چند مورد از قرآن کریم اشاره می‌کنیم:

«احکم الحاکمین» از دو کلمه «احکم» و «حاکمین» که یک ریشه واحد «حکم» دارند تشکیل شده است که بر روی هم معنای «بهترین داوران» را مراد است و از اسماء الحسنی قرآن کریم به‌شمار می‌روند. خدای متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ

فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ؛ و نوح (پیش از حادثه طوفان) پروردگار خود را ندا درداد، گفت: پروردگارا، پسر من از خاندان من است و همانا وعده تو (به نجات خاندان من) حق است و تو بهترین داورانی» (هود، ۴۵)؛ در این جا معنای «بهترین داوران» که مقصود خداوند است با اشاره سرگذشت دردناک فرزند نوح عَلَيْهِ السَّلَام (که فرزند نوح، نصیحت و اندرز پدر را نشنید و تا آخرین نفس دست از لجاجت و خیره‌سری بر نداشت) بیان شده است. خداوند سبحان «احکم الحاکمین» را در آیه‌ای دیگر این چنین بیان می‌نماید: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ» (تین، ۸)؛ در این جا هم «احکم الحاکمین» بیان شده است.

نمونه دیگر اسماء الحسنی، «ارحم الراحمین» است که از ریشه واحد «رحم» می‌باشد. مانند این آیات: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (اعراف، ۱۵۱)؛ در این جا «ارحم الراحمین» با ذکر حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام که از خداوند طلب آمرزش می‌کند، بیان شده است. «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (انبیاء، ۸۳)؛ این آیه «ارحم الراحمین» را با ذکر گرداب مشکلات ایوب عَلَيْهِ السَّلَام از لسان خودش، بیان می‌کند. «قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف، ۶۴)؛ در این جا هم «ارحم الراحمین» با گفتار حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام بیان شده است. «قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف، ۹۲)؛ در این آیه هم «ارحم الراحمین» با بیان آمرزش و گذشت حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام ذکر شده است. بدین ترتیب دیدیم که «ارحم الراحمین» با گفتار چهار پیغمبر از جمله حضرات موسی عَلَيْهِ السَّلَام، ایوب عَلَيْهِ السَّلَام، یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام و یوسف عَلَيْهِ السَّلَام بیان شده است. نکته جالب توجه اینکه، قرآن کریم مفاهیم آیاتی که مفهوم «ارحم الراحمین» در آنها آمده را با لسان پیامبران بیان کرده است.

۳-۲. الگوی دوم تصریف معنای اسماء الحسنی: خیر + اسم فاعل جمع (جمع

مذکر سالم)

الگوی دیگری که قرآن کریم در تصریف معنای اسماء الحسنی استفاده کرد،

تصریف این معنا با الگوی خیر + اسم فاعل جمع (جمع مذکر سالم) است. در ادامه به نمونه‌های این الگو از قرآن کریم اشاره می‌نمایم:

«خیر الرازقین» در قرآن کریم با آیات گوناگونی بیان گشته است: «قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ عیسی بن مریم گفت: خداوند، ای پروردگار ما، برای ما از آسمان مائده‌ای پر از غذا فرو فرست که برای ما، برای اولین و آخرین ما، عیدی باشد و نشانه و معجزه‌ای از جانب تو و ما را روزی ده، که تو بهترین روزی‌دهندگان» (مائده، ۱۱۴)؛ خدای متعال در این جا برای بیان معنای «خیر الرازقین» از گفتمان حضرت عیسی علیه السلام در زمینه روزی خواستن از خداوند سبحان استفاده کرده است. «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَكَنَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ و کسانی که در راه خدا (برای جهاد یا تحصیل علم دین یا هر امر الهی) هجرت کردند سپس کشته شده یا مردند حتما خداوند آنها را روزی نیکو خواهد داد، و به یقین خداوند بهترین روزی‌دهندگان است» (حج، ۵۸)؛ خداوند متعال در این جا «خیر الرازقین» را با بیان اهمیت هجرت و کشته شدن در راه الله بیان می‌نماید. «قُلْ إِنْ رَبِّي يَسْطُرُ الرَّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (سبا، ۳۹)؛ در این آیه هم «خیر الرازقین» با مسئله انفاق بیان شده است. «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (جمعه، ۱۱)؛ خدای سبحان برای بیان «خیر الرازقین» از ذکر دادوستد استفاده کرده است.

«خیر الحاکمین» نمونه دیگری از اسماء الحسنی است که به بررسی آن در آیات قرآن کریم خواهیم پرداخت؛ «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (یونس، ۱۰۹)؛ خدای متعال در این جا برای بیان «خیر الحاکمین» از تبعیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از وحی الهی و بیان وظیفه آن حضرت در مقابل وحی الهی استفاده کرده است. «وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (اعراف، ۸۷)؛ خداوند متعال در این جا

«خیر الحاکمین» را با تأکید بر ایمان و صبر بیان می‌نماید.

«خیر الراحمین» نمونه بعدی قرآن کریم از ترکیب خیر + اسم فاعل است: «إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» (مؤمنون، ۱۰۹)؛ خدای متعال در این جا برای بیان «خیر الراحمین» به گروهی از بندگان که می‌گفتند ایمان آوردیم و طلب بخشش می‌کردند و خداوند را بهترین مهربانان خواندند اشاره کرده است. «وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» (مؤمنون، ۱۱۸)؛ در این آیه هم «خیر الراحمین» با بیانی که روی به سوی پیامبر ﷺ بیان شده است.

۳-۳-۳. الگوی سوم تصریف معنای اسماء الحسنی: احسن + اسم فاعل

یکی از الگوهای تصریف، معنای اسماء الحسنی، احسن به اضافه اسم فاعل است. در ادامه به نمونه‌های قرآنی این الگوی معنا ساز بر پایه اسماء الحسنی اشاره می‌نماییم:

«احسن الخالقین» از دو کلمه «احسن» (فعل تفضیل) و «خالقین» (اسم فاعل) تشکیل شده است که بر روی هم معنای «بهترین آفرینندگان» را می‌دهد؛ حال در آیات گوناگون این ترکیب با مباحث گوناگونی بیان شده است؛ «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»؛ آنگاه نطفه را خون بسته‌ای ساختیم و آن خون بسته را پاره گوشتی کردیم و آن پاره گوشت را استخوان‌ها گردانیدیم، و بر آن استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم سپس او را به آفرینشی دیگر باز آفریدیم. پس بزرگ و بزرگوار است خدای یکتا که نیکوترین آفرینندگان است» (مؤمنون، ۱۴)؛ خدای متعال در این جا برای بیان «احسن الخالقین» به مراحل شگفت‌آور و بهت‌آور سیر نطفه در رحم مادر و چهره‌های گوناگون خلقت که یکی پس از دیگری در آن قرارگاه امن و دور از دست بشر ظاهر می‌شود اشاره کرده است.

«اتَّذِعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (صافات، ۱۲۵)؛ حق تعالی در اینجا برای بیان «احسن الخالقین» به مسئله بت‌پرستی اشاره می‌کند و منظور را این‌گونه بیان می‌نماید:

«که خداوندی که شما و آسمان و زمین را آفرید را رها کرده‌اید و سراغ بت‌هایی می‌روید که زاده دست خودتان است!».

۳-۳-۴. الگوی چهارم تصریف معنای اسماء الحسنی: من + افعال التفضیل + من الله +

مصدر ثلاثی

الگوی چهارم در تصریف، معنای اسماء الحسنی بیان افعال التفضیل با من الله و مصدر ثلاثی است. در این الگو، خدای سبحان با بیان افعال التفضیل متناسب با سیاق آیات آن را با «من الله» برای خود پیوند می‌زند که از معناپردازی‌های خاص در سبک تصریفی قرآن کریم به‌شمار می‌رود. در ادامه به نمونه‌های قرآن کریم در این الگو اشاره می‌کنیم:

به عنوان نمونه ذکر «أصدق» برای «الله» است: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (نساء، ۸۷)؛ در این جا اسم تفضیل «أصدق» برای بیان «من الله حدیثاً» بیان شده است. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (نساء، ۱۲۲)؛ در این جا اسم تفضیل با «أصدق من الله قليلاً» بیان شده است.

نمونه بعدی از این قسمت، می‌توان به اسم تفضیل أحسن اشاره کرد: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره، ۱۳۸)؛ در خداوند از اسم تفضیل «أحسن» برای بیان «من الله صبغَةً» استفاده کرده است.

«أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (مائدة، ۵۰)؛ در این آیه نیز از اسم تفضیل «أحسن» برای بیان «من الله حكما» استفاده شده است.

۳-۳-۵. الگوی پنجم تصریف معنای اسماء الحسنی: نعم + مصدر/ اسم فاعل

الگوی دیگر تصریف، معنای اسماء الحسنی، تصریف این معنا با الگوی «نعم» + «مصدر» در جاهای گوناگون است. در ادامه به چند مورد از قرآن کریم اشاره می‌کنیم.

«وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيْرُ» (انفال، ۴۰)؛ خدای متعال در این جا برای بیان «نعم» از کلمات «مولی» (سرور) و «نصیر» (یاور) استفاده کرده است.

«الَّذِيْنَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوْا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ اِيْمَانًا وَقَالُوْا حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ» (آل عمران، ۱۷۳)؛ خداوند متعال در این جا «نعم» را با کلمه «وکیل» بیان می نماید.

«فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُوْنَ» (مرسلات، ۲۳)؛ در این آیه هم اسم «نعم» با کلمه «قادر» بیان شده است.

«وَالْاٰرْضُ فَرَشَاتُهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُوْنَ» (ذاریات، ۴۸)؛ در این جا هم معنای «نعم» با کلمه «ماهدون» تصریف کرده است.

«وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيْبُوْنَ» (صافات، ۷۵)؛ در این آیه هم خدای سبحان برای بیان «نعم» از کلمه «مجیبون» استفاده کرده است. بدین رو، خدای متعال از کلماتی چون «مولی، نصیر، وکیل، قادر، ماهدون، مجیبون و...» برای بیان «نعم» استفاده کرده است.

۳-۳-۶. الگوی ششم تصریف معنای اسماء الحسنی: خیر + مصدر/ اسم فاعل مفرد

از دیگر الگوهای تصریف، معنای اسماء الحسنی بیان «خیر» به اضافه مصدر یا اسم فاعل مفرد است. در آیه‌ای آمده است: «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلّٰهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا» (کهف، ۴۴)؛ همه نعمت‌ها از اوست و هرچه اراده او باشد همان می شود، و جز به اتکاء لطف او کاری ساخته نیست؛ پس اگر انسان می خواهد به کسی دل ببندد و بر چیزی تکیه کند و امید به پاداش کسی داشته باشد چه بهتر که تکیه گاهش خدا و دل بستگی، و امیدش به لطف و احسان پروردگار باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۵). در این جا «خیر» با کلمات «ثوابا» و «عقبا» بیان شده است.

گاه نیز خیر با اضافه اسم فاعل مفرد نکره می شود برای نمونه خدای متعال در آیه: «قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ اِلَّا كَمَا اٰمَنُكُمْ عَلٰى اٰخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاَللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ» (یوسف، ۶۴)؛ از کلمه «خیر حافظا» استفاده کرده است. یعقوب گفت: «در بردن ابن یامین نمی توانم بر شما اعتماد کنم مگر همان طور که در بردن یوسف به شما اعتماد

کردم، شما تعهد کردید که او را محافظت کنید، ولی او را از بین بردید یا نابودش کردید و یا از چشم من پنهانش نمودید»، و با این جمله آن‌ها را در مورد داستان یوسف سرزنش کرد و گرنه می‌دانست که آن‌ها دیگر در این حال چنین کاری نمی‌کنند. و نگهبانی خدا بهتر از نگهبانی شما است و او مهربانترین مهربانان است و به این حال ناتوانی و پیری من رحم می‌کند و او را به من بازگرداند و در خیر است که خدای سبحان به یعقوب گفت: «به عزت خودم سوگند، پس از این توکل و اعتمادی که به من کردی هر دوی آن‌ها را به تو باز می‌گردانم» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۲۵۵).

۳-۷. الگوی هفتم تصریف معنای اسماء الحسنی: افعال التفضیل به تنهایی

نمونه دیگر از تصریف، معنای اسماء الحسنی، تصریف افعال التفضیل به تنهایی در آیات قرآن کریم است. در ادامه به‌عنوان نمونه به چند مورد از قرآن کریم اشاره می‌نمایم: «أَفِرُّا وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» (علق، ۳)؛ یعنی بزرگتر از جهت کرامت، پس نمی‌رسد به او کرم هیچ کریمی برای آن که او عطا می‌کند از نعمت آن قدری که غیر او نمی‌تواند مانند او عطا کند، پس هر نعمتی از جانب او می‌رسد یا این که او اختراع کرده و به‌وجود آورده و یا این که او تسبیب اسباب آن را فراهم کرده و راه وصول به آن را آسان نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۷، ص ۱۸۱). خداوند در اینجا از کلمه «أکرَم» استفاده کرده است. حق تعالی در جایی دیگر می‌فرماید: «ادْفَعِ بِأَلْتِي هِي أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ» (مؤمن، ۹۶)؛ در این آیه از کلمه تفضیل «أعلم» برای حق تعالی استفاده شده است. ما بهتر می‌دانیم که چه برداشتی از دعوت تو دارند، یک نوع تسلیت خاطر رسول خدا ﷺ است، تا از آنچه از ایشان می‌بیند ناراحت و غمگین نشود و از جرأتی که نسبت به پروردگارشان به خرج می‌دهند، اندوهگین نگردد، چون خدا بهتر می‌داند که چه چیزها می‌گویند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۹۳).

همچنین آیه: «وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانًا مِنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه، ۷۲)؛ در این آیه هم از کلمه تفضیل «أكبر» استفاده شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که بیان گردید، تصریف بر پایه کلمات بر سه وجه است: اول، تصریف معنا بر پایه مترادفات یک کلمه است. این نوع تصریف به کلماتی می‌پردازد که در جاهای گوناگون بنابر مقتضای خود از یک کلمه مترادف به جای کلمه مشهور استفاده می‌گردد؛ مانند: تصریف «معنای شهادت، معنای نام خداوند، معنای کمک به دیگران، معنای ترس از گناه، معنای آفرینش انسان». دوم، تصریف یک معنا بر پایه اشتقاق صرفی واژگان است، که چند لفظ در حروف اصلی که معنای واحد و یکسانی دارند، در عین حال آیات هم در همان معنا به القای مفاهیم می‌پردازند؛ مانند: تصریف «معنای دانای پنهان، معنای پروردگار ارجمند، معنای کوشش در راه پروردگار و معنای توانایی پروردگار». سوم، تصریف یک معنا بر پایه اوزان و اسلوب‌های معناساز، یعنی گاه برخی اوزان صرفی می‌توانند یک معنا را انتقال دهند؛ که برای این وجه، هفت اسلوب یا الگو از السماء الحسنی انتخاب شده است؛ «الگوی اول: افعال تفضیل + اسم فاعل، الگوی دوم: خیر + اسم فاعل جمع (جمع مذکر سالم)، الگوی سوم: احسن + اسم فاعل، الگوی چهارم: من + افعال التفضل + من الله + مصدر ثلاثی، الگوی پنجم: نعم + مصدر، الگوی ششم: خیر به تنهایی و الگوی هفتم: افعال التفضیل به تنهایی» که به شرح و تبیین هر یک از این الگوها بر اساس آیات پرداخته شد.

در نتیجه، خداوند سبحان در قرآن کریم با اسلوب تصریف به الگوهای گوناگون بر پایه کلمات معناپردازی کرده است، که این سبک معناپردازی و گفتمان‌سازی در فهم بهتر، روشن‌تر و آشکارتر مخاطبان قرآن کریم تأثیر شایانی دارد و نوعی اعجاز بیانی به‌شمار می‌رود. می‌توان این شیوه را اتمام حجت حق تعالی در اظهار دلائل و فراهم کردن زمینه برای تکلیف دانست.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. اخلاصی، نصرین. (۱۳۹۷). بررسی ساختاری و محتوایی سوره یونس در قرآن کریم (استاد راهنما: احمد زارع زردینی). پایاننامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۲. انصاری مقدم، مجتبی؛ زارع زردینی، احمد. (۱۴۴۲ق). تحلیل دلالات فی القرآن الکریم بأسلوب التصریف (مع التركيز على تصريف العبارات). الكلية الإسلامية الجامعة، العدد ۵۹ - الجزء ۱، صص ۵۸۷ - ۶۰۶.
۳. اهوراکی، زهره. (۱۳۸۹). پژوهشی در علم آیات مشابه. بینات، ۱۷(۶۶)، صص ۹۳-۱۰۴.
۴. العمار، عبدالعزیز بن صالح. (۱۴۳۳ق). تصريف المعانی فی القرآن الکریم. مجلة العلوم العربية، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، صص ۱۳ - ۹۰.
۵. حبیب‌اللهی، مهدی؛ ستودنیا، محمدرضا و مطیع، مهدی. (۱۳۹۵). تفاوت تعبیر در آیات مشابه قرآن بر پایه تخطی از اصول همکاری گرایس. دوفصلنامه آموزه‌های قرآنی، ۱۵(۲۴)، صص ۱۰۹-۱۴۱.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق - بیروت: دارالعلم الدار الشامية.
۷. رجب، رضیه. (۱۳۸۱). پژوهشی پیرامون سبک تصریفی بیان قرآن کریم (استاد راهنما: محمدعلی لسانی فشارکی). پایاننامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۸. رحمان ستایش، محمد کاظم؛ قاسم‌زاده خشک‌رودی، محمود. (۱۳۹۷). معنای عبارت «تصريف الرياح» در قرآن. نشریه پژوهش دینی، شماره ۳۷، صص ۲۷-۴۹.
۹. زارع زردینی، احمد، لسانی فشارکی، محمدعلی و خلیلی، میثم. (۱۳۹۸). گونه‌شناسی ساختار چینش آیات در رکوعات قرآنی. دوفصلنامه علمی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۸(۱۶)، صص ۷۳-۹۴.

۱۰. زارع زردینی، احمد؛ انصاری مقدم، مجتبی. (۱۴۴۲ق). تحلیل دلالات فی القرآن الکریم بأسلوب التصریف مع التركيز على تصریف العبارت. الکلیة الإسلامية الجامعة، العدد ۵۹، صص ۵۸۷ - ۶۰۶.
۱۱. ستوده‌نیا، محمدرضا؛ حبیب‌اللهی، مهدی. (۱۳۹۳). نقش بافت درون‌زبانی در توجیه آیات مشابه. پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۸(۱۵)، صص ۱-۲۲.
۱۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۴۲۱ق). الإلتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۳. شاه‌رودی، محمدرضا؛ قاسمی‌نیا، محمدامین و بیلکار، محمدسعید. (۱۴۰۰). بررسی عملکرد مترجمان قرآن کریم در برگردان تفاوت‌های موجود در آیات مشابه لفظ؛ مطالعه موردی ترجمه‌های حدادعادل، رضایی، طاهری، فولادوند، کاویانپور، گرمارودی و مکارم شیرازی. مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۸(۱۶)، صص ۴۰-۷۵.
۱۴. صاحبی، محمودی؛ مجدقیه‌هی، محمدعلی. (۱۳۹۷). معناشناسی تصریف آیات و رابطه آن با تکرار در قرآن با محوریت آیه ۸۹ اسراء و آیه ۱۱۳ طه. مطالعات تفسیری، ۹(۳۵)، صص ۷-۲۲.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۳). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (مترجم: گروهی). تهران: انتشارات فراهانی.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱۵). تهران: ناصرخسرو.
۱۹. طحانیان، سارا؛ برهانی، مصطفی و مینایی بیدگلی، بهروز. (۱۳۹۹). تشخیص هوشمند آیات مشابه معنایی در قرآن کریم. هوش مصنوعی و علوم اسلامی، دوره ۱، صص ۴۹۳-۵۲۴.
۲۰. فتاحی‌زاده، فتحیه؛ اهوراکی، زهره. (۱۳۸۹). حکمت تفاوت اسلوب‌های بیانی در آیات مشابه. مطالعات قرآن و حدیث، ۴(۷)، صص ۳۱-۵۵.

۲۱. فتاحی زاده، فتحیه؛ اهوراکی، زهره. (۱۳۹۱). حکمت تفاوت اسلوب‌های بیانی در آیات مشابه. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱(۱)، صص ۴۱-۴۸
۲۲. قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن (ج ۴). تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۳. کرمانی، محمود. (۱۴۰۶ق). البرهان فی توجیه متشابه القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۴. کسائی، علی بن حمزه. (۱۴۱۸ق). مشتبهات القرآن. بی‌جا: دارالمنار.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). برگزیده تفسیر نمونه (ج ۱، ۳ و ۱۳). قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۱). برگزیده تفسیر نمونه (ج ۱۲، محقق: احمد علی بابایی). قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. نجفی ایوکی، علی؛ زرکار، زهره. (۱۳۸۹). زیبایی‌شناسی آیات مشابه در قرآن کریم. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۷(۱۴)، صص ۱۳۵-۱۵۰.

References

* Holy Quran

1. Ahvaraki, Z. (1389 AP). Research on Similar Verses in the Science of Quran. *Bayanat*, 17(66), pp. 93-104. [In Persian]
2. Akhlaqi, N. (1397 AP). *Structural and Content Analysis of Surah Yunus in the Holy Quran* (Supervisor: A. Zare Zardini). Master's thesis. Tehran: University of Sciences and Teachings of the Holy Quran. [In Persian]
3. Al-Amar, A. S. (1433 AH). Conveying Meanings in the Holy Quran. *al-'Ulum al-'Arabiyyah*, pp. 13-90. [In Arabic]
4. Ansari Moqadam, M., & Zare Zardini, A. (1442 AH). Analysis of Meanings in the Holy Quran using the Method of Conveyance. *Al-Kulliyah al-Islamiyah al-Jami'ah*, 59(1), pp. 587-606. [In Arabic]
5. Fatahi Zadeh, F., & Ahvaraki, Z. (1389 AP). The Wisdom of Different Stylistic Expressions in Similar Verses. *Quran and Hadith Studies*, 4(7), pp. 31-55. [In Persian]
6. Fatahi Zadeh, F., & Ahvaraki, Z. (1391 AP). The Wisdom of Different Stylistic Expressions in Similar Verses. *Quranic Interpretation and Language*, 1(1), pp. 41-48. [In Persian]
7. Habibollahi, M., Sotudehnia, M. R., & Motie, M. (1395 AP). Differences in Interpretation in Similar Verses of the Quran Based on Deviation from Gricean Cooperation Principles. *Quranic Teachings*, 15(24), pp. 109-141. [In Persian]
8. Kermani, M. (1406 AH). *Al-Burhan fi Tawjih Mutashabih al-Quran*. Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
9. Kesa'i, A. H. (1418 AH). *Mushtabihat al-Quran*. n.p: Dar al-Manar. [In Arabic]
10. Makarem Shirazi, N. (1374 AP). *Selected Sample Interpretation* (Vols. 1, 3, &13). Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyah. [In Arabic]
11. Makarem Shirazi, N. (1381 AP). *Selected Sample Interpretation* (A. A. Babayi, Ed., Vol. 12). Qom Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
12. Najafi Ayuki, A., & Zarkar, Z. (1389 AP). Aesthetics of Similar Verses in the Holy Quran. *Quranic Interpretation and Language*, 7(14), pp. 135-150. [In Persian]

13. Qarashi, S. A. (1371 AP). *Qamus Quran* (Vol. 4). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
14. Ragheb Isfahani, H. M. (1412 AH). *Al-Mufradat fi Ghareeb al-Quran*. Damascus-Beirut: Dar Al-'Ilm Dar Al-Shamia. [In Arabic]
15. Rahmansetayesh, M. K., & Qasemzadeh Khoshkroodi, M. (1397 AP). The Meaning of the Phrase "Tasreef al-Riyah" in the Quran. *Religious Research*, 37, pp. 27-49. [In Persian]
16. Rajab, R. (1381 AP). *A Study on the Stylistic Conveyance in the Expression of the Holy Quran* (Supervisor: M. A. Lesani Fesharaki). Master's thesis .Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian]
17. Sahebi, M., & Majd Faqih, M. A. (1397 AP). Semantics of Verse Arrangement and Its Relationship with Repetition in the Quran: A Focus on Verse 89 of Surah Al-Isra and Verse 113 of Surah Ta-Ha. *Tafsir Studies*, 9(35), pp. 7-22. [In Persian]
18. Shahroodi, M. R., Qasemnia, M. A., & Bilkar, M. S. (1400 AP). Investigating the Performance of Translators of the Holy Quran in Translating Differences in Similar Verses: A Case Study of the Translations by Haddad Adel, Rezai, Taheri, Fouladvand, Kavianpour, Garmaroudi, and Makarem Shirazi. *Quranic and Hadith Translation Studies*, 8(16), pp. 40-75. [In Persian]
19. Sivati, A. A. (1421 AH). *Al-Itqan fi 'Ulum al-Quran*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Arabi. [In Arabic]
20. Sotudehnia, M. R., & Habibollahi, M. (1393 AP). The Role of Intra-linguistic Context in Justifying Similar Verses. *Quran and Hadith*, 8(15), pp. 1-22. [In Persian]
21. Tabarsi, F. H. (1360 AP). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Group of Translators, Trans). Tehran: Farahani. [In Arabic]
22. Tabarsi, F. H. (1372 AP). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 15). Tehran: Naser Khosro. [In Arabic]
23. Tabatabai, S. M. H. (1374 AP). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 4, M. B. Mousavi Hamedani, Trans.). Qom: Islamic Publishing House. [In Arabic]

24. Tabatabai, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 13). Qom: Islamic Publishing House. [In Arabic]
25. Tahaniyan, S., Borhani, M., & Minayi Bidgeli, B. (1399 AH). Intelligent Identification of Semantically Similar Verses in the Holy Quran, *artificial intelligence and Islamic sciences conference*; Volume 1, pp. 493-524. [In Persian]
26. Zare Zardini, A., & Ansari Moqadam, M. (1442 AH). Analysis of Meanings in the Holy Quran using the Method of Conveyanc. *Al-Kulliyah al-Islamiyah al-Jami'ah*, 59, pp. 587-606. [In Arabic]
27. Zare Zardini, A., Lesani Fesharaki, M. A., & Khalili, M. (1398 AP). Typology of Arrangement Structures of Verses in Quranic Ruku'as. *Cognitive Linguistics Research on the Quran*, 8(16), pp. 73-94. [In Persian]